



## آمادگی فوق العاده برای درگیری

عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در جریان بازدید از توان افندی و پدافندی نیروهای دریایی ارتش و سپاه در استان هرمزگان، گفت: «در مدت کوتاه اخیر ارتقاء توان بسیار خوبی از سوی هم‌زمان ما در نیروی دریایی انجام شده است. آنان با توجه به آنچه در جنگ ۱۲ روزه اتفاق افتاد به نوع کارکرد دشمنان خبیث ایران متمرکز شدند و خودشان را برای مقابله با چنین دشمنی آماده کردند.» او ادامه داد: «در همین مدت کوتاه بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کارهای بسیار بزرگی در نیروی دریایی سپاه انجام گرفته و آنچه امروز دیدیم یک آمادگی فوق العاده برای درگیری احتمالی آینده است.»



## دوستان جلیلی پشت پرده خروج از NPT

مجید نصیریپور، نماینده مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با جماران با اشاره به تلاش برخی نمایندگان برای خروج از NPT، گفت: «اکثر کسانی که دنبال این پروژه هستند، در منتهی‌الیه جریان اصولگرایی قرار می‌گیرند و به طور مشخص، جزو دوستان آقای جلیلی محسوب می‌شوند و همواره مسائلی را مطرح می‌کنند که منجر به ایجاد نگرانی‌هایی در بدنه اجتماعی کشور می‌گردد. مردم یک بار در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری نظر خود را اعلام کردند، اما متأسفانه این دوستان تمایلی به همراهی با خواست اکثریت جامعه ندارند.» او با اشاره به اینکه طرفداران خروج از NPT، استفاده از استراتژی ابهام در سیاست هسته‌ای را یک ابزار مناسب برای افزایش توان چانه‌زنی کشور می‌دانند، گفت: «بسیاری از فعالیت‌های هسته‌ای ما برای دنیا روشن است و خروج از NPT، ابهام چندانی در این فعالیت‌ها ایجاد نمی‌کند. اکنون عمده اتهامی که غرب به ما وارد می‌کند، ساخت بمب اتمی است، اما مسئولین کشور شخص رهبری تاکنون بارها بر عدم تصمیم جمهوری اسلامی برای ساخت تسلیحات هسته‌ای تأکید کرده‌اند. وقتی موضع ما تا این حد روشن است، ایجاد ابهام در سیاست هسته‌ای چه کمکی به ما می‌کند؟»



## هدف‌شان ایجاد اغتشاش است

احمد راستین، نماینده مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران در واکنش به اسنپ‌بک گفت: «اجرای اسنپ‌بک قبل از این که تأثیرات مستقیمی بر اقتصاد کشورمان داشته باشد، تلاشی است توسط آمریکا و کشورهای اروپایی برای این که بتوانند بسترهای لازم را برای بروز نارضایتی‌های عمومی در داخل کشورمان ایجاد کنند، یعنی آن‌ها عملاً به دنبال بسترسازی برای ایجاد اغتشاشات در ایران به‌منظور تحمیل اراده خود به ملت ما هستند.» راستین به تأکید بر این که اروپایی‌ها هیچ اراده‌ای از خودشان ندارند، گفت: «روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه بار دیگر ثابت کرد که کشورهای اروپایی کاملاً مطیع و برده حلقه‌به‌گوش آمریکایی‌ها هستند، البته اروپایی‌ها این موضوع را در زمان اجرای برجام هم نشان داده بودند. بعد از این که آمریکا از این توافق خارج شد و کشورهای اروپایی به تعهدات‌شان عمل نکردند، این بار اروپایی‌ها با فشار آمریکایی‌ها گام دیگری را برای اجرای سیاست‌های توسعه‌طلبانه و یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا برداشته‌اند.»

# تاب‌آوری برای عبور از بحران

گفتارهایی از هادی خانیکی، تهمورث بشیریه، غلامرضا امیرخانی و مهدی مطهرنیا درباره آینده ایران



اندیشه سیاسی

گسترده‌ای در ایران نیز داشته است. از یک سو بحران اقتصادی به شکلی عمیق‌تر خود را نشان داده است. تورم، کاهش ارزش پول ملی و فشار معیشتی اعتماد عمومی را فرسوده کرده است و از سوی دیگر بحران سیاسی و کاهش سرمایه اجتماعی میان مردم و دولت هم‌زمان با فشارهای خارجی و فضای داخلی پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است. افزون بر این بحران اجتماعی و فرهنگی نیز آشکار است. این بحران‌ها همچون رشته‌های درهم‌تنیده یکدیگر را تغذیه و تشدید می‌کنند؛ با این حال در میانه چنین شرایطی می‌توان راهکارهایی را مطرح کرد. نخست بازتعریف رابطه میان دولت و جامعه که نیازمند شفافیت، مسئولیت‌پذیری و اصلاح ساختاری حکمرانی است. دوم، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق بازکردن فضا برای مشارکت واقعی شهروندان و پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و سلاقی، سوم، تغییر در سیاست‌دستوری و حرکت به سمت اقتصاد آزاد و رقابتی همراه با ایجاد نظام پایدار برای اقشار آسیب‌پذیر و نهایتاً در سطح بین‌المللی حرکت به سمت کیپلماسی فعال و چندجانبه‌گرایی هوشمند نه با تکیه صرف بر نهادهای رسمی بلکه از مسیر ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و همکاری‌های غیررسمی.

همانطور که تاریخ نشان داده است ملت‌ها در لحظات سخت می‌توانند با اتکا بر عقلانیت، همبستگی و گفت‌وگو و خلاقیت اجتماعی از دل بحران مسیر تازه برای آینده خود بکشایند. ایران نیز در این برهه تاریخی نیازمند همین نگاه آینده‌ساز است.

عمیقی بر جای گذاشت. جامعه ایران با پرسش‌های تازه در جایگاه خود در نظم نوین جهانی و درباره امکان و پیشرفت در چارچوب قواعدی که دیگر ضمانت اجرایی ندارند روبه‌رو شد و اینک در تاریخی‌ترین بزرگ‌ترین خاورمیانه در دوران معاصر قرار گرفته است و ایران پایتخت چشم‌انداز آتیه نوین خاورمیانه خواهد بود. اگر بخواهیم وضعیت فعلی را با دورانی تاریخی مقایسه کنیم، شاید بهترین قیاس وضعیت جهان در آستانه جنگ جهانی دوم باشد. جامعه ملل که به عنوان نخستین تجربه جهانی برای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی شکل گرفته بود، نتوانست در برابر تجاوزهای پی‌درپی آلمان، ایتالیا و ژاپن واکنش موثر نشان دهد. امروز نیز سازمان ملل متحد و نظام حقوق بین‌الملل در برابر حملات آشکار به تمامیت ارضی کشورها و نقض قوانین بنیادین منشور سازمان ملل متحد در حدتشریفات باقی ماند. ناکامی جامعه ملل همانطور که مقدمه فروپاشی نظم جهانی میان دو جنگ شد امروز نیز می‌تواند جهان را به سمت دوره جدیدی از بی‌ثباتی سوق دهد. اگر در قرن بیستم هنوز امیدی به وقوع نظم به معنای مفاهیمی زنده وجود داشت در قرن بیست‌ویکم ما با کالبدی بی‌جان روبه‌رو هستیم. زبان رسمی سیاستمداران همچنان از حقوق بشر، صلح و امنیت سخن می‌گوید اما در عمل منطق قدرت و منافع ژئوپلیتیکی جایگزین هر گونه التزام قابل قبول به قواعد شده است. از این رو می‌توان گفت که امروز بیش از هر زمان دیگری از یک نظام کرآمد دور شده‌ایم. فروپاشی نظم بین‌المللی بازتاب

**گروه سیاست:** «ایران با چالش‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... روبه‌رو است که نیازمند تحلیل و همکاری جمعی برای یافتن راهکارهای سازنده است... این جمله در تیزی برای نشست علمی «برای ایران، عبور از بحران» بود که روز گذشته با حضور جمعی از نخبگان، دانش‌جویان و پژوهشگران در سازمان همایش‌های بین‌المللی سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد. در این جلسه چهره‌های شاخصی همچون هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات، تهمورث بشیریه، مدیرعامل انجمن حقوق شناسی ایران، غلامرضا امیرخانی، ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مهدی مطهرنیا، رئیس اندیشکده آینده‌اندیشی سیمرغ، رسول صفرآهنگ، پژوهشگر مطالعات استراتژیک خاورمیانه و محمدحسین شریفان، حقوقدان، پژوهشگر حقوق بین‌الملل به ایراد سخنرانی پرداختند. خلاصه این جلسه در ادامه می‌آید:

### نیازمند نگاه آینده‌ساز هستیم

در ابتدای این جلسه محمدحسین شریفان که علاوه بر سخنران مجری برنامه نیز بود، گفت: «همانطور که می‌دانیم در جنگ اسرائیل به ایران بحران‌های متعددی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، حقوق بین‌الملل و اجتماعی در ایران شکل گرفت. این رخداد نه تنها در ابعاد نظامی بلکه در ابعاد هویتی و ملی نیز پیامدهای

## با مردم صلح کنید برای وطن جان می‌دهند



تهمورث بشیریه  
مدیر عامل انجمن حقوق‌شناسی

برای عبور از بحران، باید بپذیریم که بحران وجود دارد، اما اگر دست‌اندرکاران و مسئولان این بحران را نپذیرند، وضع با همین بحران‌ها پیش خواهد رفت، کما اینکه ظاهراً به این باور رسیده‌اند دوازده روز مشکلاتی برای کشور پیش آمد و حل شد و باید با تمام قوت به تنظیمات کارخانه بازگشت. اگر این دیدگاه حاکم باشد که درباره بر خی افراد مسئول صدق می‌کند می‌بینید دوباره بستن کافه‌ها را شروع کردند. خانه اندیشمندان علوم انسانی را بستند و خیلی از کارهای مشابه و زمزمه‌هایی که در مورد حجاب شنیده می‌شود اینگونه است که چند روزی زخمی به بدن ما زده شد و حالا باید به شرایط قبلی برگردیم. این دیدگاه کشور را به سمت سقوط می‌برد و کلیت ایران را هدف قرار گرفته است. بحث من در حوزه حقوق و پذیرش این بحران است. بحرانی که از ابتدای انقلاب در حوزه حقوقی و به‌ویژه سیاست جناحی ما ایجاد شد باید مورد بحث قرار گیرد. با انقلاب یک نگاه ایدئولوژیک و قدسی بر حقوق ما حاکم شد که به دلیل وقوع جنگ و باورمندی مردم به انقلاب مشکلات چندان دیده نشد، به‌ویژه که جنگ مانند یک کلور اجازه نمی‌دهد مسائل دیده شود. اما پس از آن بحران به مرور خود را نمایان کرد و یک نگاه ایدئولوژیک پس از انقلاب به

قواعد و مقررات و نحوه اداره جامعه در کنار یک نگاه از سر اجبار قرار گرفت که به اقتضائات اجتماعی تن می‌داد. در نهایت فرزند ناقص الخلقه‌ای به نام حقوق ایران بعد از انقلاب ایجاد شد که جلوه‌های خود را در حوزه‌های مختلف حقوق از حقوق عمومی گرفته تا حقوق کیفری و حقوق خانواده نشان داد. در واقع بحران‌های متعددی در حوزه‌های مختلف حقوق ایران ایجاد شد و فهمی که از حقوق داشت دگرگون شد؛ به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری، حقوق به ابزار برای بر خورد تبدیل شد و جلوه‌های مختلف این ابزار در مقررات خود را نشان داد. یک مصداق توجه به حاکمیت قانون و اصل قانونی بودن جرم و مجازات است؛ یعنی هیچ‌یک از اعمال ما جرم محسوب نمی‌شود الا اینکه در قانون ذکر شده باشد و هیچ‌یک از اعمال قابل مجازات نیست الا اینکه در قانون آمده باشد و هر دوی اینها باید شفاف باشند و ابهامی در آنها وجود نداشته باشد و قابلیت تفسیر گسترده نداشته باشد اما از همان ابتدا در قانون اساسی پایه‌ای گذاشته شد که تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی را گرفت و مملکت را از همان اول به سمت بحران برد. در اصل ۱۶۷ قانون اساسی قانون‌گذار خلاصه می‌کند که اگر عنوان مجرمانه را در قانون پیدا نکردید به مراجع فقهی مراجعه کنید. ما اصل فقهی بودن داریم و نه قانونی بودن و لذا قوانین حکومتی به راحتی می‌توانند بدون آنکه از پیش تعیین شده باشند که چه رفتاری ممنوعه است به مردم تعرض کنند. این اصل در مواد مختلف قانونی نیز تکرار شد و در همین قانون اخیر مجازات با مقداری محدودیت در سال ۱۳۹۲ نیز ذکر شد. یعنی حتی بعد از ۳۵ سال از انقلاب باز این ذهنیت تغییر نکرد که مردم باید تکلیف خود را بدانند

چراکه از حقوق برای اداره جامعه استفاده نمی‌شد بلکه برای بر خورد جامعه استفاده شد. در واقع فشار ایدئولوژیک در حقوق ما خودنمایی می‌کنند. بروید و یک هفته قبل از جنگ دوازده روزه اولویت‌های دستگاه قضایی را نگاه کنید که چه بود، در حالی که بیخ گوش ما در داخل کشور پهباد تولید می‌شد تا به جان و مال مردم ما تعرض شود، اما داستان‌های شهرهای مختلف یک به یک بیانیه می‌دادند که سگ گردانی ممنوع است و غیره و این اولویت کشور ما به غیر از اولویت همیشگی حجاب و مونوسواری خانم‌ها بود. جامعه حقوقی ما درگیر این مسائل بود و جایی که دادستانی و دستگاه قضایی و امنیتی باید به کاربیزه اصلی خود بپردازند به این مسائل پرداختند. از سوی دیگر قواعد گزینشی نیز کار خود را از ابتدای انقلاب کرده است. در امور اداری و استخدامی کشور تصفیه بسیار خوبی انجام شده است و فرهنگ ریا به خوبی توسعه پیدا کرد. اگر کسی بخواهد سر کار دولتی برود باید گرینش شود و سوالاتی پرسیده می‌شود که اگر معتقد نباشید باید دروغ آن را بگویید چرا که مملکت متعلق به یک عده است و امتیازی می‌دهند که عده‌ای بتوانند باشند و در دوره جنگ آن عده به درد می‌خورند. در همین جنگ دوازده روزه عده‌ای از کسانی که اعتقادات دینی بسیار شدیدی هم داشتند گفتند در این جنگ کسانی که از نظر آنها چندان نمی‌ارزیدند در مقابل دشمنان سپینه‌سیر کردند. اما چاره چیست؟ راهکار صلح با مردم است در حالی که اکنون در جنگ با مردم هستیم. اگر با مردم جنگ نکنید و برای آنها بحران ایجاد نکنید، خود مردم ورود می‌کنند و برای وطن جان نیز می‌دهند. باید تنظیم‌گری عرفی به مردم سپرده شود و اجازه دهید خودشان تعیین‌کننده باشند. این اقداماتی که با ابزار کیفری انجام شده است باید کنار بروند و قواعدی که مزاحم حقوق و آزادی‌های مردم شده‌اند کنار بروند و حقوق برای اداره جامعه باشد نه برای شناسایی حق و باطلی که تنها در ذهن عده‌ای خاص است. برای عبور از بحران باید مدیر جامعه باشیم و نه قیم مردم.

را سنجیدند و توانستند خودشان را پیش ببرند.

یکی از چیزهایی که وجود دارد و من دوست دارم به آن اشاره کنم، تأکید بر افتخارات گذشته است. یعنی اینکه نباید در باد غرور گذشته خوابید ولی به هر حال، حسن غرور ملی و افتخارات شخصیت‌های میهنی که غرور آفرین است، باید حفظ شود. نکته دیگری که وجود دارد و می‌توان به آن اشاره کرد، پذیرش مسئولیت‌هاست. یعنی اگر افراد، شخصیت‌ها، احزاب و جریان‌ها، مسئولیت‌های خودشان را در ناکامی‌های گذشته و حال قبول کنند، قطعاً خودش راهکار بسیار خوبی خواهد بود. این موردی بود که دقیقاً عکس آن در آلمان اتفاق افتاد. علت پیدایش جنگ جهانی دوم و ظهور حزب نازی، به خاطر فضای آلمان بعد از جنگ جهانی اول بود که برای همه جا افتاده بود و تقریباً نخبگان هم این نکته را پذیرفته بودند که ما اگر شکست خوریم، نه به خاطر قدرت‌برتر کشورهای دیگر بود؛ بلکه به خاطر این بود که سوسیالیست آمد و از پشت به آلمان خنجر زد. همینطور تأکید بیش از حد بر اینکه عهدنامه ورسای از بیخ و بن، یک عهدنامه یک‌طرفه و ظالمانه بود و اینها را سبب می‌دانستند. این موارد موجب ظهور حزب نازی و قدرت گرفتن آن شد و آن داستان‌ها هم که در جنگ جهانی دوم به وجود آمد. نکته بعدی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، تأکید بر قدرت ملی است که موضوعی است که ما به آن نیاز داریم که کشورمان از این بحران هم عبور کند و نقشه‌های شوم دشمنان و در رأس آن امپریالیسم جهانی نقش بر آب شود.

## نخبگان ما و تجربه آلمان

حاضر درس آموز باشد.

یک سوالی را جامعه‌شناسان، چه اهالی علوم سیاسی و بعضاً تاریخ‌نگاران مطرح می‌کنند این است که یک کشوری اگر بخواهد تغییرات بنیادی را اجرا کند، آیا نیازمند بحران است؟ یعنی باید وارد بحران شود و بعد دست به تغییرات بنیادی بزند و یا اینکه خیر، این امکان وجود دارد که پیش از وقوع بحران، با هوشمندی پیش‌دستی کند و به دنبال سیاست پیش‌گیرانه باشد. در این حوزه، معمولاً به چند نمونه از تاریخ جهان به‌خصوص در قرن بیستم اشاره می‌شود که یکی از نمونه‌های خیلی خوب در این ارتباط، کشور فنلاند است. فنلاند، کشوری است که در همسایگی ابرقدرتی به نام روسیه قرار گرفته است. اتفاقی که در فنلاند افتاد این بود که به تهدید بالقوه به نام اتحاد جماهیر شوروی که در کنارشان حضور دارد، اهمیت ندادند. در سال ۱۹۴۴ و پس از جنگ جهانی؛ وقتی که بحران اوج گرفته بود؛ سیاستمداران فنلاندی، سیاست هوشمندانه‌ای را به کار بردند که شاید این سیاست را دید بسیاری از خود اهل فن‌ها، نوعی خیانت هم حساب شود. آنها ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خودشان



غلامرضا امیرخانی  
رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

در بدترین روزهای تاریخ ایران، یعنی در اوج حملات تاریخ توسط مغول‌ها در قرن هفتم هجری که در تاریخ جهان معروف است که مغول‌ها آمدند و بردند و سوختند و کشتند؛ ما شاهد بروز و ظهور چشمه‌های ناب‌تفکری ایرانی و اسلامی مانند سعدی و خواجه نصیرالدین طوسی در ایران هستیم که هر سه از شخصیت‌ها جهانی هستند. چیزی که من از تاریخ فهمیده‌ام این است که در هر شرایطی باید به آن سرزمین و زاینده‌گی و پویایی امید داشت، البته به شرط اینکه راه را اشتباه نرویم و برای این کار باید در تاریخ ایران و جهان بررسی کرد که کشورهایی که موفق بوده‌اند؛ چگونه رفتار کردند. آنچه که در تاریخ جهان گذشته است، می‌تواند برای ما در حال